

نذیر احمد
دانشگاه اسلامی علیگره

نسخه قدیمی مهم از دیوان حافظ

در فارسی تحقیق متن هنوز بدرجه آخر نرسیده است، و بنابراین شاید [به ندرت] مجموعه اشعار یا دیوانی باشد که آنرا باعتبار تحقیق کامل می توان دانست. دیوان حافظ نیز ازین کلیه مستثنی نمی باشد. متن انتقادی از دیوان حافظ همان نسخه چاپی است که باهتمام محمد قزوینی و دکتر قاسم غنی در نهران در ۱۳۱۹ نشر شده است. اساس این نسخه، نسخه ایست که در سال ۸۲۷ هجری استنساخ شده بود و بعداً باهتمام آقای سید عبدالرحیم خلخالی در تهران در ۱۳۰۶ چاپ شد. فی الواقع از نشر این دو نسخه بنای کارتهیه متن انتقادی از دیوان حافظ گذارده شده؛ اما پس ازین متن دیگری از دیوان خواجه نشر نشده؛ که باید آنرا مورد توجه قرار داد. محمد قزوینی در مقدمه توضیح داده که مندرجاتی که شامل دیوان خلخالی است همانرا باید کلام اصل و درست از خواجه حافظ دانست و هر چه علاوه اینها باشد کلام دیگران است. چنانکه اوگوید:

«چون نسخه [خلخالی] که در سنه ۸۲۷ کتابت شده عجاله تا نسخه قدیمتری از آن بدست نیامده آنرا باید قدیمترین نسخ موجوده تاریخ دار حافظ در دنیا محسوب داشت. لهذا من خود را ملتزم و مقید کردم که در خصوص کمیت اشعار یعنی از لحاظ عده غزلیات و عده ایات هر غزلی از ابتدا تا انتهای کتاب فقط و منحصرأ همان نسخه

را اساس کار خود قرار دهم و هر چه در آن نسخه موجود است از غزلیات و مقطعات و مثنویات و رباعیات تماماً بدون هیچ زیاده و نقصان آنها را چاپ کنم و هر چه در آن نسخه موجود نیست، خواه غزلیات مستقل و خواه ابیات متفرقه^۵ بعضی غزلها یا غیر ذالک^۶، آنها را مطلقاً کالعدم انگاشته بکلی از آن صرف نظر نمایم زیرا که چون نسخه^۵ [خلخالی] نسخه^۶ کامل تمامی است از دیوان خواجه، و خلاصه و انتخابی از آن نیست، پس هر چه درین نسخه نیست با احتمال بسیار قوی بلکه تقریباً بنحو قطع و یقین الحاقی و اشعار دیگرانست که بعدها در دیوان خواجه داخل کرده اند.»

آقای محمد قزوینی را نسخه‌ای از دیوان حافظ که پیش از ۸۲۷ هجری رونویس شده باشد، بدست نیامد. لیکن او در پاریس به نسخه‌ای از دیوان برخورد که ظاهراً در حیات خود خواجه کتابت شده بود و شاید یکی از کتابخانه‌های مدارس امریکای شمالی فروخته شده^۳. آقای محمد قزوینی به علاوه نسخه^۴ خلخالی شانزده نسخه دیگر^۴ را نشان داده که نخستین از آنها در بودلیان (آکسفورد) است که در ۸۴۳ ه استنساخ شده و آخرین از آنها در کتابخانه^۵ دیوان هند (لندن) نگهداری می شود و تاریخ کتابتش ۱۰۰۴ ه میباشد. اما در ترکیه دو نسخه^۶ قدیمتر از آنها کشف شده. یکی از آنها نسخه^۷ ایاصوفیه (بشماره ۳۹۴۵) است که در میان سالهای ۸۱۳ و ۸۱۷ برای اسکندر بن عمر شیخ^۶، حاکم فارس، در فارس کتابت شده و آن بواسطه^۷ خاورشناس آلمان پروفیسر ریتز^۷ معرفی شده، اما بگفته شادروان استاد احمد آتش در مقاله^۸ خود بنام «بعضی مخطوطات مهم قونیه» تاریخ استنساخ نسخه^۸ فوق مابین سالهای ۸۱۳ و ۸۱۴ میباشد. پروفیسر آتش در همین مقاله نسخه^۹ دیگری از دیوان حافظ از متحف قونیه معرفی نموده که در سال ۸۱۹ ه رونویس شده، و همراه گلشن راز و مقطعات ابن یمن شامل یک مجموعه ایست. نه

سال قبل بنده در کتابخانه آصفیه حیدرآباد (اکنون کتابخانه سرکاری) نسخه‌ای را از دیوان حافظ دیدم که در سال ۸۱۸ هـ کتابت شده بود و همراه کلیله و دمنه و منطق الطیر شامل یک مجموعه می‌باشد. تاریخ کتابت این مجموعه بقرار زیر است:

«وقد فرغ من کتابته يوم الثلاثاء ثانی عشر شهر ربيع الاول سنه ثمان عشر و ثمان مائة.»

اگرچه این تاریخ در خاتمه کلیله و دمنه (متن ورق ۴۶۲) درج شده، اما این تاریخ خاتمه مجموعه است و در همین ورق در حاشیه، در خاتمه دیوان حافظ بدست همان کاتب این عبارت مندرج است:

«تمام شد دیوان مولانا شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی بحمدالله

و حسن توفیقه.»

این نسخه ظاهراً انتخاب دیوان است زیرا محتویات آن کمتر از همه نسخه‌های خطی و چاپی می‌باشد؛ یعنی عده غزلها ۳۵۷، مقطعات ۱۲، رباعیات ۲۰. با وجود اینکه نسخه بختصریست اما نه غزل، پنج قصیده و سه رباعی از این نسخه شامل نسخه خلخالی نباشد، بنا برین، از اوضح و اوضحات است که نظر محمد قزوینی در باره الحاقی بودن مطالب، که بعلاوه نسخه خلخالی میباشد، غلط است.

بنده را در مسافرت حالیه بگورکهور (استان اترپردیش) اتفاق مطالعه نسخه قدیمی از دیوان حافظ افتاد که در کتابخانه شخصی خانواده «سبزپوش» نگاهداری میشود، و از جهت اینکه نسخه فوق در ۸۲۴ هجری رونویس شده یعنی سه سال قبل از نسخه خلخالی، یکی از مهم‌ترین نسخه‌ها می‌باشد و همین نسخه ذیلاً معرفی میشود:

این نسخه شامل مجموعه‌ای باشد بقرار زیر:

۱: متن (ورق ۱ تا آخر نسخه) دیوان سعدی شامل اغلب کلام

های سعدی شیرازی که مشرف‌الدین بن مصلح نامیده شده.

ب : حاشیہ ورق ۱ تا آخر نسخه شامل کلامهای منظوم از چهار شاعر بقرار زیر:

ورق ۱ تا ۴۲	دیوان شاعر نامعلوم ^{۱۰}
ورق ۴۲ تا ۱۴۰	دیوان حافظ
ورق ۱۴۰ تا ۱۱۱	دیوان جلال عضد
ورق ۱۱۱ تا آخر نسخه	دیوان منتخب کمال خجند

در ورق ۱۴۰ در خاتمه دیوان حافظ نام کاتب بدینطور آمده :
 « تم الديوان بعون الملك المنان بيد الفقير الراجي الى رحمة ربه
 الباري محمد بن سعيد بن عبدالله القاري غفر الله له و لصاحبه و لمن
 قال آمين رب العالمين. »

در خاتمه مجموعه در متن پس از اتمام دیوان سعدی عبارت
 ذیل درج شده :

« تمت الديوان من كلام ملك المشايخ والعلماء افضل الشعراء املح
 المتكلمين افصح المتأخرين قدوة السالكين مشرف الدين سعدى بن مصلح
 الشيرازى غفر الله له الخ. »

در خاتمه کتاب در حاشیہ نام کاتب و تاریخ کتابت بدینصورت
 ضبط شده :

« تم الكتاب المتن و الحاشيه انتخاب الديوان الشيخ العارف
 الفاضل الكامل ملك الشعراء المتأخرين عمدة السالكين كمال الملة والدين
 الخجندى روح الله روحه على يدى العبد الضعيف المحتاج الى رحمة
 ربه الباري محمد بن سعيد بن عبدالله الحافظ القاري اصالح الله احواله
 فى سلخ ذى الحجة اربع و عشرين و ثمانمائة الهجرية الصلوة على نبيه
 محمد وآله اجمعين. »

در هر صفحه در متن ۱۷ سطر (۱۷ بیت) و در حاشیہ ۴۲ سطر

شامل ۲۱ بیت می باشد. نسخه دو جا افتادگی دارد، یک برگ در اول و یک برگ دیگری که شامل بوده بهره آخر از کلام شاعر نخستین، و بهره اول از مقدمه جامع دیوان حافظ [را]، افتاده است؛ خطش تعلیق قدیم روشن و جلی، و نسخه از اول تا آخر از همین کاتب یعنی محمد بن سعید بن عبدالله است. خط نسخه مشابه است بخط اوائل قرن هشتم. ممیزات املائی نسخه فوق بقرار زیر است:

۱- درین نسخه از اول تا آخر فرقی میان دال و ذال گذارده شده؛ یعنی اگر ما قبل دال ساکن - جز و، ای - باشد دال است و بعلاوه آن در هر صورت ذال معجمه. اما فرقی بین قافیه دال و ذال گذارده نشده و هر دو را با یکدیگر مخلوط نموده مجموع را تحت یک عنوان مندرج ساخته؛ مثلاً غزل «دیدنی ای دل که غم عشق دگر بار چه کرد» که دال مهمله است در همان باب ذکر شده که غزل «گفتم غم تو دارم گفتا غمت سر آید» یا غزل دیگری: «من وانکار شراب این چه حکایت باشد»، که هر دو بطبق قاعده مشهور، ذال معجمه فارسی محسوب می شوند. نگفته نگذریم که فقط غزلهای زیر باقوافی «نمیکند»، «کند»، «کنید» که طبق قاعده فوق ذال معجمه دارند نه دال مهمله، در این نسخه بدال مهمله درج شده:

سروچمان من چرا میل چمن نمیکند
آن کیست کز روی کرم با من وفاداری کند
گر می فروش حاجت رندان روا کند
کلک مشکین تو روزی که زما یاذکند
دلابساز که سوز تو کارها بکند
طائر دولت اگر باز گذاری بکند
معاشران گره زلف یار باز کنید

۲- پ و چ بصورت ب و ج نوشته شده اما ژ با سه نقطه ممیز شده .

۳- حرف بیان و موصوله بصورت «که» آمده ، اما پیوست بشکل کک آمده مانند «چنانک» .

۴- حرف استفهام «چه» بصورت امروزه آمده نه بشکل «چی» که در قرنهای پنجم و ششم متداول بوده .

۵- الفاظ مرکبه اکثر جداگانه نوشته شده مانند پی روی ، جست وجو ، می فروش .

۶- «می» اکثر از فعل جدا آمده اما در صورت فعل منفی پیوست آمده مانند «نمیگیرد» .

۷- آن را و این را جدا نوشته شده .

۸- الف در «است» و «این» اکثر حذف شده است مانند «کردست» ، «درین» .

۹- بای زینت و نای نفی همیشه پیوست ، و بای جاره اکثر پیوسته و بطور شاذ جداگانه آمده .

۱۰- همزه بشکلهای زیر نوشته شده :
 اضافت : باده ، ناب ، علاوه آن
 یای تنکیر : جامه پوشیدم

همزه عربی در صورت اضافت اکثر مبدل بیای شده ، مانند «شعراى خوب» ، لیکن بطور شاذ بطور علامت اضافت آمده مانند «مولانـاء معظم» .

یای مصدر : خدائی ، جدائی

واو عطف : نوای زهره و رامشگری

پس از الف ممدوده : طائر .

۱۱- مد در اکثر صورتها باقی گذاشته شده مانند در آن ، ز آسمان.

۱۲- های غیر ملفوظ در صورت جمع اکثر افتاده ، مثلاً

«میکندها».

۱۳- بعضی کلمات عربی بصورت اصل نوشته شده مانند حیوة.

مشمولات دیوان بقرار زیر است :

الف : مقدمه جامع دیوان که بقدر یک صفحه افتادگی دارد بدین

بیت آغاز شود :

دستش محیط [جود]^{۱۳} و دمش کیمیای علم

نطقش مکان صدق و دلش معدن صفا

این بیت آخر است از قطعه^{۱۳} سه بیتی در نعت ، از مقایسه^{۱۴} نسخه

چاپی واضح میشود که بیست و چهار سطر افتادگی دارد.

ب : غزلیات باعتبار حروف تهجی : ۴۳۲ غزل

ردیف الف : ۱۱ غزل (نسخه^{۱۴} قزوینی ۱۲)

« ب : ۳ » (۲)

« ت : ۷۰ » (۸۱)

« ج : ۱ » (۱)

« د- ذ : ۱۲۷^{۱۰} » (۱۴۵)

« ر : ۱۲ » (۱۳)

« ز : ۶ » (۹)

« س : ۶ » (۵)

« ش : ۱۸ » (۲۰)

« ع : ۳ » (۳)

« ف : ۱ » (۱)

« ق : ۲ » (۲)

ردیف ک ۳ « (نسخه قزوینی ۳)

« ل : ۵ « (۷)

« م : ۶۴ « (۷۳)

« ن : ۱۶ « (۲۳)

« و : ۹ « (۱۱)

« ه : ۱۴ « (۱۳)

« ی : ۶۱ « (۶۷)

ج : مقطعات : ۱۸^{۱۶}

د : رباعیات : ۲۷^{۱۷} ، از آنجمله دو بیت^{۱۸} از غزل است .

ه : مفردات : ۵ ، از آنجمله سه بیت^{۱۹} در سه غزل شاملست .

اگرچه مضمولات نسخه^{۲۰} گور کهپور از نسخه^{۲۱} آصفیه بیشتر است

اما نسبت به نسخ بعد آن دارای مطالب کمتری است زیرا معلومست -

نسخ اساس محمد قزوینی ، یعنی نسخه خلخالی شامل ۴۹۵ غزل ، نسخه^{۲۲}

آقای مرآت ۴۸۵ غزل ، نسخه^{۲۳} آقای نخجوانی شامل ۴۹۳ غزل ، نسخه^{۲۴}

آقای اقبال دارای ۴۸۷ غزل^{۲۵} می باشند . اما چنانکه نسخه^{۲۶} منتخب آصفیه

منظومات چندی دارد که در نسخه^{۲۷} خلخالی و غیر آنها شامل نیست ، به

همین طور بعضی منظومه ها که شامل نسخه^{۲۸} گور کهپور است در نسخ

اساس آقای قزوینی یافته نمی شود . ازین مندرجات زاید میتوان بطور

قطع استدلال نمود که نظر محمد قزوینی درباره^{۲۹} الحاقی بودن منظومات

خارج نسخ اساس درست نیست . بعضی قولهای قزوینی بدینقرار است :

« هر چه خارج ازین نسخ باشد از اشعار الحاقی خواه غزلیات

الحاقی و خواه ابیات الحاقی هر غزلی همه را بکلی کالعدم انگاشته به

هیچوجه آنها را داخل دیوان خواجه ننمایم تا آنجا که مقذور من

است در و خرمهره را در یک رشته جمع نکنم و ابداً شهرت بعضی از آن اشعار الحاقی در نسخ جدیده مرا و ندارد که حتی یک غزل یا حتی یک بیت که در نسخ اساس نیست بر دیوان خواجه علاوه نمایم. «

« پس اینجا نیز واضح است . . . که هیچیک از غزلیات الحاقی (قریب صد غزل) را که در نسخ متأخره^۱ دیگر بعد از قرن نهم کما بیش بافت میشود در هیچ یک ازین چهار نسخه مطلقاً و اصلاً اثری از آنها نمیتوان یافت، پس از مجموع این قرائن ظن بسیار قوی بلکه علم قطعی حاصل میشود که آنچه غزلیات بتمامها با ابیات متفرقه^۲ هر غزلی در این چهار نسخه موجود نیست، تقریباً بنحو قطع و یقین و بدون هیچ شک و شبهه از خود حافظ نیست بلکه از دیگران است که بعدها متدرجاً در دیوان خواجه داخل شده است. «

ازین جهت که منظومهای زایده شامل نسخه‌های قدیمتر از نسخ اساس آقای میرزا محمد قزروینی است، در باره^۳ غلط بودن نظر آقای مزبور شکی باقی نمی‌ماند. بعبارت اخیری این غزله‌ها و قطعه‌ها و رباعی‌های زایده که شامل نسخ اساس نیست، در اصل اشعار حافظ است نه کلام دیگران. بعلم اینکه بعضی منظومه‌های نسخه^۴ آصفیه و نسخه^۵ گورکهور شامل نسخه^۶ خلخالی و غیر آنها نمی‌باشد، واضح است که [امکان دارد] نسخ قدیمی دیگر که هنوز کشف نشده شامل مطالبی باشند که خارج از نسخه‌های خلخالی و غیر آنها باشد. خلاصه اینکه در میان منظومات که از نسخ اساس آقای محمد قزروینی خارج باشند و بگفته آقای مزبور الحاقی و اشعار دیگران است، یقیناً اشعاری باشد که کلام اصل خود خواجه حافظ است و بهیچ وجه آن را رد نمی‌توان کرد.

اینست منظومه‌ها که شامل نسخه^۷ گورکهور است اما خارج از

نسخ اساس :

(الف) غزلها : (۱۳)

ردیف ب ، غزل زیر :

صبح دولت^{۲۱} میدمد کوجام همچو آفتاب

ردیف ت ، غزلهای زیر :

این پیک^{۲۲} نامه بر که رسید از دیار دوست

حال دل^{۲۳} با تو گفتم چه خوش است

ردیف د ، غزلهای زیر :

از نظر بازی ما بیخبران حیرانند

برید^{۲۴} باد صبا دوشم آگهی آورد

مژده^{۲۵} ای دل که مسیحا نفسی می آید (مشترك)

درخت^{۲۶} دوستی بنشان که کام دل بیار آرد

گل آمد خوش وزان خوشتر نباشد

ردیف س ، این غزل :

جانان^{۲۷} ترا که گفت که احوال ما مپرس (مشترك)

ردیف م ، این غزل :

ما پیش خاک پای تو صد رو نهاده ایم

ردیف ن ، این غزل :

ای شام ز گوی ما گذر کن

ردیف ه ، این غزل :

ای از^{۲۸} فروغ رویت روشن چراغ دیده

ردیف ی ، این غزل :

ای^{۲۹} ز شرم عارضت گل کرده خوی (مشترك)

از آنجمله سه غزل که بلفظ مشترك ممتاز شده ، در نسخه آصفیه

نیز شاملست .

(ب) مقطعات : (۷)

دل ۳۰ مبند ای مرد بخرد در سخای عمر وزید
(مشترك)

رحیم ۳۱ منکرخمار بود روز چند
شاهها ۳۲ مسافری ز بهشتم رسیده است
کلک کوته نظرم بین که بر طغرل شاه
بسمع خواجه رسان ای ندیم
تا کار بکام دل مجروح شود
دوش در خواب چنان دید خیالم که سحر

(ج) رباعیات : (۴)

آواز ۳۳ پر مرغ طرب می شنوم
مقبول دل خواص و مشهور عوام
راه ۳۴ طلبت زخار غمها دارد
باز آی ۳۵ که چشمت بجمالت نگرانست

(د) مفردات : (۲) اه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تمنای من از عمر و جوانی
شکر ۳۶ شکر بشکرانه بیفشان حافظ

غزلهای ذیل که شامل نسخه آصفیه است از نسخه خلخالی خارج است :

ز ۳۷ دل بر آدمم و کار برنمی آید
دادگرا ترا فلک جرعه کش پیاله باد
مژدهای دل که مسیحا نفسی می آید (شامل نسخه
گور کهپور)

مرا می دگر باره از دست برد
ساقیا ۳۸ مایه شراب بیار

صبا^{۳۹} بمقدم گل راح روح بخشد ناز.
جانان^{۴۰} ترا که گفت که احوال ما مپرس (نیز شامل
نسخه^{۴۰} گور کهپور)

ای^{۴۱} ز شرم عارضت گل غرق خوی (نیز شامل
نسخه^{۴۱} گور کهپور)
ساقی اگر ت هوای ماهی

مقطعات ذیل شامل نسخه^{۴۱} آصفیه از نسخه^{۴۱} خلخالی و دیگر نسخ
اساس خارج است :

گه بحکمت قطره را گرداند لو^{۴۲} لو^{۴۲} در صدف
ای جهان و هر چه هست از آفرینش در جهان
دل منه ای مرد بخرد بر سخای عمر و زید (نیز
شامل نسخه^{۴۲} گور کهپور)

حسن این نظم از بیان مستغنی است
دریغا خلعت و حسن رجوانی

رباعیات ذیل شامل نسخه^{۴۳} آصفیه^{۴۳} از نسخه^{۴۳} خلخالی و غیر آنها
خارج است :

نام بت من که مه ز رویش خجل ست
چو جامه ز تن بر کشد آن مشکین خال
شیرین دهنان عهد به پایان نبرند

از تفصیلات فوق بر می آید که نسخه^{۴۳} آصفیه و نسخه^{۴۳} گور کهپور
شامل ۱۹ غزل ، ۱۱ قطعه ، هفت رباعی و دو فرد میباشد که خارج از
نسخ اساس آقای محمد قزوینی است ، بنابراین نظر آقای مزبور در الحاقی
بودن همه^{۴۳} منظومات خارج غلط و قابل رد است زیرا که مندرجات نسخه
های قدیمتر بدون هیچ شک و شبه کلام درست از خود خواجه حافظ

باشد نه کلام دیگران و الحاقی .

بعلاوه قدیم بودن ، نسخه گور کهپور از این لحاظ خیلی مورد توجه است که این تنها نسخه قدیمی است که شامل مقدمه جامع دیوان حافظ است ، زیرا معلوم است نه نسخه آصفیه و نه هیچیک از هفت نسخه اساس آقای محمد قزوینی شامل مقدمه ایست چنانکه آقای^{۴۳} مزبور نوشته :

« این نه نسخه که شرح خصوصیات آنها تا کنون بدست داده ایم همه را بدون استثنا در تصحیح متن بکار برده ایم ... منتهی هفت نسخه اول آنها چو هیچکدام قصاید خواجه و مقدمه جامع دیوان حافظ را ندارند بالطبع فقط در تصحیح متن از آنها استفاده کرده ایم . »
درباره نسخه هشتم «ی» که شامل مقدمه ایست آقای مزبور علاوه نموده^{۴۴} :

« این نسخه بخط نستعلیق خوش و در صحت و سقم متوسط و بدون تاریخ است و ظاهراً در اواسط قرن یازدهم باید کتابت شده باشد . »
و نسخه تقوی شماره ۱ که مقدمه جامع دیوان حافظ را شامل است جدید و تاریخ کتابت آن ۱۴ شعبان ۱۲۳۶ هجری می باشد . بگفته آقای محمد قزوینی از لحاظ مقدمه نسخه یازدهم (نسخه حن) بیشتر مورد توجه قرار می گیرد^{۴۵} :

« این نسخه غیر مورخ است ، ولی ظاهراً در قرن یازدهم کتابت شده و دارای مقدمه و قصاید هر دو باشد . . . و مقدمه آن نسبتاً بسیار مصحح و مضبوطست و قطعاً باید از روی نسخه بسیار قدیمتری نزدیک بعصر مؤلف استنساخ شده باشد . . . این نسخه یکی از نسخ چهارگانه ایست ... که ما آنها را اساس طبع مقدمه جامع دیوان خواجه قرار داده ایم . »

خلاصه کلام اینکه هیچیک از نسخ قدیمی که تحت مطالعه آقای محمد قزوینی بوده مانند نسخه آصفیه شامل مقدمه جامع دیوان نمی باشد، و نسخه گورکھپور قدیمترین نسخه ایست که دارای مقدمه میباشد و بنابراین خیلی مورد توجه قرار می یابد. ضمناً عرض میشود که در اکثر نسخ جدید نام جامع دیوان حافظ محمد گلندام (گل اندام) درج یافته اما بنظر آقای قزوینی این نام الحاقی است. محمد گلندام شخصی قلبی است و چون در نسخه اصل نام جامع درج نشده این شخص از فرصت استفاده نموده نام خود را در آنجا گذارده. عین عبارت میرزا محمد بقرارزیر است^۱ :

«در هفت نسخه از یازده نسخه خطی دیوان که دارای این مقدمه می باشند بعد از جمله دعائیه و عفا الله عنه ماسبق، مطلقاً و اصلاً اسمی از مؤلف این مقدمه که در عین حال جامع دیوان نیز هموست بهیچ وجه من الوجوه برده نشده است و همه این هفت نسخه بعینه بهمین نحو اند که ما چاپ کرده ایم . . . بدون علاوه هیچ اسمی خواه محمد گلندام یا غیر آن، در صورتیکه در آن چهار نسخه دیگر . . . و در عموم نسخ چاپی بعد از کلمه ماسبق، علاوه دارند: و اقل انام محمد گلندام (یا گل اندام)، و این فقره یعنی اینکه در هفت نسخه از یازده نسخه ازین مقدمه ابدأً اسمی از جامع دیوان حافظ بنا بر مشهور درین اواخر محمد گلندام نامی بوده، برده نشده بدون هیچ شک و شبه تولید شک عظیمی در صحت و اصالت نام محمد گلندام می نماید و این احتمال را بی اختیار در ذهن تقویت می نماید که شاید این نام محمد گلندام الحاقی باشد از یکی از متأخرین گمنام که چون دیده این مقدمه بدون اسم مؤلف است خواسته ازین فرصت استفاده نموده آنرا بنام خود قلمداد کند. . .»
چون این نسخه قدیمی تاریخ دار شامل مقدمه میباشد و درین مقدمه

اثری از نام محمد گلندام نیست ازین بطور قطع میتوان استدلال نمود که این شخص قلبی است و نام او در مقدمه الحاقی است و حدس آقای قزوینی کاملاً درست می باشد.

از لحاظ مقدمه جامع دیوان حافظ چند امر مورد توجه است. اول اینکه لفظ شهید همراه نام حافظ بدینطور آمده: «مخلص این کلمات و ملخص این مقدمات ذات ملک صفات مولانا و معظم مرحوم سعید شهید مفخر افاضل العلماء استاذ نحاریر الادب معدن اللطائف الروحانیه مخزن المعارف السبحانیه شمس الملة والدين محمد الحافظ الشیرازی بود طیب الله تربته و رفع فی عالم القدس رتبه.»

حدس آقای محمد قزوینی که محل استعمال این کلمه درین مورد درست روشن نشد، صحیح است.

ثانیاً اینکه در بعضی نسخ خطی جدید و در اغلب نسخ چاپی بعد از بیت: «مستغرق درود و ثنا باد روحشان الخ» عبارت ذیل را علاوه دارند: «خصوصاً امام المشارق و المغرب، جامع اصناف حقایق و معارف، قائل کلمه انا کلام الله الناطق، اسداله الغالب علی بن ابی طالب: شهنشی که سحرگاه روز فطرت بود غرض و جود شریفش ز خلقت انسان، الخ.» میرزا محمد قزوینی درین مورد می نویسد^{۴۷}:

« ولی در هیچیک از نسخ قدیمه مانند حن و هندی و ملک و نسخه آقای رشید یاسمی و نسخه آقای دبیرخان و نسخه آقای تقوی شماره ۲ بهیچ وجه من الوجوه از جمله مزبور اثری نیست و بدون شک الحاقی می باشد از متأخرین در عهد صفویه بقصد اینکه خواهی را نظر ببعضی مصالح شیعه قلمداد کنند.»

جمله فوق خارج از نسخه گور کهپور است و بنابراین هر چه آقای قزوینی حدس زده کاملاً درست می باشد.

ثالثاً درین مقدمه تاریخ درگذشت حافظ در لفظ ۷۹۱ هجری و ماده تاریخ شامل ۷۹۲ هجری میباشد ، مثلاً : « تا در تاریخ شهر احدی و تسعین و سبعمائة و دیعت حیوة را بموکلان قضا و قدر سپرد و رخت وجود از دهلیز تنگ اجل بیرون برد ، روان پاکش با ساکنان علوم علوی قرین شد و پس از مفارق بدن همخوابه پاکیزه رویان حورالعین گشت . نظم تاریخ وفات :

بسال باو صاد و ذال ابجد ز روز هجرت میمون احمد

بسوی جنت اعلی روان شد فرید عصر شمس الدین محمد

بخاک پاک او چون برگزیده نگه کردم صفا و نور مرقد

اگر چه در حال حاضر ما نمی توانیم این تناقض را توجیه کرده بجز اینکه گوئیم که تاریخ ۷۹۱ غلط است و صحیح تاریخ همانست که شامل ماده تاریخ یعنی ۷۹۲ ، میباشد ؛ اما در این جا چند تا احتمال بی اختیار در ذهن پیدا میشود : چرا کاتبی در آن نزدیکی این اختلاف را روا دانسته است ، آیا او فراموش کرده که اول چه نوشته بوده یا اینکه حافظ در روز آخر ذی الحجه ۷۹۱ وفات یافته و در اول محرم ۷۹۲ مدفون شده .

اگر چه حدس آقای محمد قزوینی که تاریخ درگذشت خواجسه ۷۹۲ هجری است نه ۷۹۱ ، درست بنظر می آید اما حدس دیگری که منشاء این غلط قطعه مشهور است که در آخر غالب نسخ چاپی چاپ شده کاملاً درست نیست . قول آقای مزبور اینست :

« و سایر نسخ که احدی و تسعین و سبعمائة دارند بظن غالب بلکه بنحو قطع و یقین غلط فاحش بابد باشند و منشأ این غلط نیز با احتمال بسیار قوی همان قطعه مشهور و بی اساسی است که نه قائلش معلوم است و نه اینکه در چه عصری گفته شده و در آخر غالب نسخ چاپی دیوان حافظ چاپ شده یعنی :

چراغ اهل معنی خواجه حافظ که شمعی بود از نور تجلی
چو در خاک مصلی یافت منزل بجو تاریخش از خاک مصلی
والا بشهادت صریح عموم مورخین معاصر یا قریب العصر باحافظ
وفات او در سنه هفتصد و نود و دو بوده است.»

از اینکه هر دو تاریخ ۷۹۱ و ۷۹۲ در نسخه قدیمی گور کهپور وجود دارد که پس از سی و دو سال از درگذشت خواجه حافظ استنساخ شده، از اوضح و اوضحات است که تاریخ ۷۹۱ را نباید بدینطور رد نمود که این تاریخ مبنی است بر قولهای متأخر و جدید و بی اساس، زیرا خود این حدس اخیر پس از کشف شدن نسخه گور کهپور باطل و غلط شده. خلاصه اینکه نسخه گور کهپور برای محققان حافظ خصوصاً درباره تاریخ درگذشت خواجه مسئله تازه پیدا کرده است.

یادداشتها

۱- یک مجموعه فارسی که در موزه برطانیاست، و در میان سالهای ۸۱۳ و ۸۱۴ هجری برای جلال الدین اسکندر بن عمر شیخ تهیه شده بود، دارای ۱۵۲ غزل از حافظ میباشد و این غزلها بنام غزلهای خواجه حافظ بکوشش آقای دکتر خانلری در ۱۳۳۲ شمسی نشر شده؛ اما چون این دیوان کاملی از خواجه نیست، بنابراین ازین صرف نظر شده.

۲- مقدمه مصحح ص م.

۳- ایضاً، ص کط.

۴- ایضاً ص مه-مو.

۵- آقای دکتر درغزلهای خواجه حافظ، علاوه نموده که چهار نسخه قدیمتر از نسخه خلخال کشف شده اما او صراحت ننموده که آنها در کجا و در کدام کتابخانه نگاهداری میشود.

۶- نوه تیمور بود و در ۸۱۲ والی فارس شده و در ۸۱۸ فوت شد (براون :

تاریخ ادبیات ۳: ۳۴۴، ابارک: شعر فارسی در عهد شاهرخ ص ۳۷، ۴۳).

۷- رک. Islam Ansiklopedisi, Istanbul, 1943, v.4, p. 40.

۸- عکس بهره این مجموعه که شامل دیوان حافظست (ص ۳ تا ۲۷ تا ۴۶۲) از طرف دولت حیدرآباد در ۱۹۴۶ چاپ شده اما تاریخ کتابت نسخه مزبور بجای ۸۱۸ اشتباهاً ۹۱۸ درج شده.

۹- ورق آخر که دارای نام شاعر بوده باشد افتاده است.

۱۰- هندسه اوراق درج نشده.

۱۲- محذوف در نسخه اصل.

۱۳- نسخه اصل: لفظش.

۱۴- در نسخه قزینی در ذیل ت، ح، خ، غ یک غزل دارد که شامل نسخه حاضر نیست.

۱۵- از آنجمله منظومه آخر بشکل قطعه است و دفعه دوم ذیل مقطعات نیز

درج شده؛ بیت اول اینست: بر سر بازار جان بازان منادی میزنند

بشنوید ای ساکنان کوی رندی بشنوید

امر مورد توجه اینست که در هر دو اختلافات نسخ زیاد است و بنابراین واضح است که کاتب فرمت تجدید نظر نیافته. در ذیل قطعات این منظومه بدین شکل یافته میشود:

بر سر بازار جان بازان منادی میزنند	بشنوید ای ساکنان کوی رندی بشنوید
دختر رزچند روزی هست ^۲ کز ما گم شد ^۱	وقتها ^۳ گیر دسر خود هان و هان حاضر شوید
جامه دارد ز لعل و نیم تاجی از حباب	عقل و دانش برد ^۴ و شد تا ایمن از وی نغنوید
هر که آن تلخم دهد حلوا بها جانش دهم	ور بود پوشیده و پنهان بدوزخ در روید
دختری ^۵ شب گرد تلخ تیز گلرنگست ^۶ مست	گر بیایدش ^۷ بسوی خانه حافظ برید

۱- بسر.

۲- شد کز.

۳- وقت تا.

۴- می بود.

۵- دختری.

۶- گلرنگست و.

۷- بیایدش.

- ۱۵- نسخه خلخالی شامل ۲۹ و نسخه قزوینی شامل ۳۴ قطعه است .
- ۱۶- نسخه خلخالی و نسخه قزوینی شامل ۴۲ رباعی است .
- ۱۷- ایات اینست:
- بلبلی خون جگر خورد و گلی حاصل کرد باد غیرت بصدش خار پریشان دل کرد
طوطی را بخیال شکری دل خوش بود ناگهش سنگ بلا نقش امل باطل کرد
- این دو بیت شامل غزلیست: رک چاپ قزوینی ص ۹۱-۹۲ .
- ۱۸- در قزوینی این عنوان نیست .
- ۱۹- این سه فرد بقرار زیر است :
- چشم آن شب که زشوق تو نهد سربلند تا دم صبح قیامت نگران خواهد بود
نمی بینم نشاط و عیش در کس نه درمان دلی نه درد دینی
می خور که صد گناه زاغیارد در حجاب بهتر ز طاعتی که بروی و ریا کنند
- برای اینها رک: دیوان چاپ قزوینی ص ۱۳۹، ۱۴۲، ۱۳۲ .
- ۲۰- مقدمه دیوان از محمد قزوینی ص لیج .
- ۲۱- رک: دیوان نول کشور ص ۱۵ .
- ۲۲- ایضاً ص ۲۷ .
- ۲۳- ایضاً ص ۴۵ .
- ۲۴- ایضاً ص ۹۲ .
- ۲۵- بعلاوه نسخه نول کشور، این غزل شامل غزلهای خواجه حافظ، که از روی مجموعه خطی که در سال ۸۱۳-۸۱۴ استنساخ شده، بکوشش دکتر چاپ شده است .
- ۲۶- چاپ نول کشور ص ۱۲۱ .
- ۲۷- این غزل در «غزلهای خواجه حافظ» شامل است؛ نیز رک: دیوان چاپ نول کشور ص ۲۰۱ .
- ۲۸- دیوان چاپ نول کشور ص ۳۱۷ .
- ۲۹- ایضاً ص ۳۳۵ .
- ۳۰- ایضاً ص ۴۰۹ .
- ۳۱- ایضاً ص ۴۲۰ .

۲۲- دیوان چاپ نول کشور ص ۴۰۸ .

۲۳- ایضاً ص ۴۳۳ .

۲۴- ایضاً ۴۲۸ .

۲۵- نسخه خطی از آن بنده ورق ۲ . ۲ ب؛ سال کتابت ۱۷ جمادی الاول -

۵۱۰۵۵ .

۲۶- مصراع دیگر اینست: که نگارخوش شیرین حرکات دادند؛

در دیوان غزلی بمطلع زیر بهمین بحر وجود دارد اما بیت فوق شامل غزل

نیست:

دوش و نت سحر از غصه نجاتم دادند و اندر آن ظلمت شب آب حیاتم دادند

(دیوان ص ۱۲۴) .

۲۷- این غزل شامل نسخه نول کشور نیست؛ باقی سه غزل از ردیف دال

شامل چاپ نول کشور هست .

۲۸- ایضاً ص .

۳۹- ایضاً ص ۱۹۴ .

۴۰- در چاپ خانلری وجود دارد .

۴۱- در نسخه خلخالی هر دو غزل شامل غزلیات منسوب می باشند .

۴۲- از آنجمله آخر دو شامل دیوان چاپ نول کشور هست .

۴۳- مقدمه ص عط .

۴۴- ایضاً ص عح . نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۴۶- مقدمه ص قوقز (حاشیه) .

۴۵- ص ف .